

نظریه اسلامی کرامت با تأکید بر دیدگاه امام رضا علیه السلام

محمد حسین طالبی

دانشیار فلسفه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

mhtalebi@rihu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: علمی - پژوهشی صفحه (۶۲ - ۸۹) دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲</p>	<p>نظریه اسلامی کرامت نظریه‌ای است درباره کرامت به معنای احترام، که از منابع سه‌گانه فهم معارف اسلامی؛ یعنی عقل، کتاب خدا و سنت برگرفته شده است. از نگاه عقل، کرامت یکی از عوارض ذاتی وجود است. بنابراین، نه تنها انسان، بلکه همه موجودات کرامت دارند؛ زیرا همه آن‌ها وجود دارند. کرامت یا به عبارتی احترام، حقیقتی است که در اثر داشتن ارزش هر موجود حاصل می‌شود. سنجه ارزش، کمالات وجودی هر موجود است. بنابراین، چون وجود همواره همراه با خیر؛ یعنی همراه با کمال است و هر کمالی ارزشمند است، و هر امر با ارزشی کرامت دارد، در نتیجه، هر وجودی کرامت دارد. حاصل آنکه، همه موجودات کرامت دارند. براین-اساس و به دلیل آنکه کرامت مساوق با وجود است، همه صفات وجود؛ مانند تشکیک، اصالت و فراگیری، اوصاف کرامت نیز هستند.</p> <p>کرامت در یک تقسیم عام به دو دسته تقسیم می‌شود: کرامت اختیاری و کرامت غیراختیاری (تکوینی). کرامت غیراختیاری (تکوینی) صفت ذاتی هر موجود است و همواره با آن موجود همراه است. کرامت اختیاری به کنش‌های اختیاری موجودات مختار مربوط است. فایده بحث از کرامت موجودات، احترام به منشور حقوق آن‌هاست.</p> <p>افزون بر عقل، قرآن نیز کرامت را مختص انسان نمی‌داند. از نگاه قرآن، خداوند متعال، فرشتگان، انسان‌ها، جنیان، حیوانات، گیاهان و حتی جمادات کرامت دارند.</p> <p>روایات اسلامی به‌ویژه احادیث امام رضا <small>علیه السلام</small> نیز کرامت را به انواع موجودات نسبت داده‌اند. به فرموده آن حضرت، کرامت انواع گوناگون و درجات متنوع دارد. به اصطلاح فلسفی، کرامت امری تشکیکی است.</p>

مقیاس سنجش کرامت افراد و راه‌های دریافت کرامت از دیگر مباحث نظریه اسلامی کرامت است. روش تحقیق در این بحث روشی عقلی- نقلی و برگرفته از منابع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها

امام رضا علیه السلام، نظریه کرامت اسلامی، کرامت موجودات، وجود، تشکیک.

مقدمه

نظریه‌های توجیه‌کننده حقوق بشر در گفتمان حقوق بشر متعددند. برخی به قانون کطبیعی^۱ استناد می‌کنند. برخی دیگر حقوق بشر را امری بدیهی می‌دانند. به دیگر سخن، بداهت^۲ را دلیل توجیه‌کننده حقوق بشر می‌دانند. فاعلیت اخلاقی^۳ بشر نظریه دیگری است که به عقیده برخی از نظریه پردازان، دلیل اعتبار حقوق بشر است. بسیاری از فعالان حقوق بشر آن را نتیجه طبیعت نمی‌دانند، بلکه اعتبار حقوق بشر را ناشی از قرارداد اجتماعی^۴ می‌دانند. گروهی دیگر، مانند فینیس نیز به خیر بودن^۵ حق‌های بشری برای بشر استناد می‌کنند و آن را ملاک اعتبار حقوق بشر معرفی می‌کنند. نتیجه‌گرایان^۶ سوددهی، یا به عبارتی بهره‌مندی مادی از حقوق بشر را به عنوان نتیجه مطلوب از این حق‌ها ملاک اعتبار حقوق بشر معرفی کرده‌اند (Jones, 1994: p.94-119).

در این میان، یکی از نظریه‌های توجیه‌کننده حقوق بشر در غرب که شهرت جهانی نیز دارد، «نظریه کرامت ذاتی بشر»^۷ است. به عقیده طرف‌داران این نظریه، کرامت ذاتی از ویژگی‌های طبیعت اخلاقی هر انسان است که به دلیل اهمیت و عمومیتش ملاک وجود حقوق بشر قرار گرفته است. به بیان دیگر، به عقیده این گروه از دانشمندان، دلیل وجود

1. Natural law.
2. Self-evidence.
3. Moral agency.
4. Social contract.
5. Being Good.
6. Consequentialists.
7. Theory of Inherent Human Dignity.

حقوق بشر آن است که به وسیله استیفای آن‌ها، کرامت ذاتی انسان‌ها حفظ می‌شود (طالبی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

گفتمان کرامت بشر پیشینه‌ای دیرینه در حوزه مباحث فلسفه حقوق (بشر) دارد. برخی از دانشمندان یونان و روم باستان یکی از بنیادهای حقوق طبیعی بشر را کرامت و عزت شأن آدمیان می‌دانستند (Honoré, 2002: ix). در دوره جدید نیز جایگاه انسان در نظام هستی توجه عمیق دانشمندان را به کرامت بشر در پرتو انسان‌گرایی (اومانیزم) جلب کرد. همچنین در قرن بیستم توجه به کرامت ذاتی بشر در اعلامیه جهان حقوق بشر هویدا است. این اعلامیه در اولین ماده خود می‌گوید: «همه انسان‌ها آزاد و همراه با کرامت و حقوق مساوی متولد شده‌اند»^۱.

جک دانلی^۲، از طرف داران نظریه کرامت ذاتی بشر، این نظریه را «نظریه سازنده حقوق بشر»^۳ نامیده است. او می‌گوید: «حقوق بشر برای تأمین بهداشت و سلامت بشر نیست، بلکه برای حفظ کرامت بشر به آن (حقوق) نیازمندیم، برای داشتن زندگی‌ای در شأن انسان؛ حیاتی که بدون وجود این حقوق لذتی ندارد» (Donnelly, 1989: 17). وی همچنین بر این باور است که کرامت و عزت شأن بشر حقوق بشر را تولید می‌کند، به طوری که انکار این حقوق مستلزم انکار انسانیت بشر است. بنابراین، تنها راه شناخت حقوق بشر آن است که به وسیله دانش انسان‌شناسی فلسفی ذات با کرامت بشر را به خوبی شناسایی کنیم (Donnelly, 1985: 31). از نظر دانلی، مهم‌ترین دلیل موجه ساز حقوق بشر آن است که انسان چون کرامت دارد، حق دارد.

در حوزه اندیشه اسلامی نیز پژوهندگان مسلمان به پیروی از کتاب و سنت، مسئله کرامت بشر را بسیار مهم دانسته‌اند. آن‌ها کرامت را به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم کرده‌اند. کرامت ذاتی بشر عزت شأنی است که همه آدمیان به سبب انسان بودن دارند. به عقیده

1. Article 1: All human beings are born free and equal in dignity and rights ... (Melden, 1970: 143).

2. Jack Donnelly.

3. Constructivist theory of human rights.

آن‌ها، این نوع کرامت در همه انسان‌ها به یک اندازه وجود دارد؛ چون همه آن‌ها خصوصیات ذاتی یکسان، مانند توان اندیشیدن و آینده‌بینی دارند. برخی از این افراد به پیروی از دانشمندان غرب، کرامت ذاتی را ملاک اعتبار حقوق بشر معرفی کرده‌اند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۷۸ و ۱۱۶-۱۲۰؛ ایازی، ۱۳۸۳: ۵۲؛ هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۶؛ راسخ، ۱۳۸۸: ۳۸۵؛ هکی، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۷). مسلمانان عموماً در این خصوص به این آیه استناد می‌کنند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۷۰)؛ ما انسان‌ها را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا توان جابه‌جایی دادیم و روزی پاکیزه به آن‌ها عطا کردیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

نوع دوم کرامت بشر در نگاه اندیشمندان مسلمان، کرامت اکتسابی است. این نوع کرامت عبارت است از عزتی که انسان‌ها در پرتو تقرب به خداوند متعال به سبب رعایت تقوا و خداترسی به دست می‌آورند (عابدی و منفرد، ۱۳۹۶: ۷۵-۷۶). آن‌ها دلیل قرآنی این نوع کرامت را آیه ﴿... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾ (حجرات/۱۳)؛ «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پارساترین‌ها هستند» می‌دانند. در این زمینه، کتب و مقالات فراوانی تألیف شده است.

با این همه، به نظر می‌رسد: ۱. برخلاف ادعای غریبان، کرامت نه اختصاص به انسان دارد، بلکه همه موجودات کرامت دارند؛ ۲. و نه، برخلاف ادعای پژوهندگان مسلمان، کرامت بشر را می‌توان به ذاتی و اکتسابی تقسیم کرد، بلکه کرامت در یک مقیاس کلی، به کرامت اختیاری و غیراختیاری تقسیم می‌شود. در ادامه، با تبیین نظریه اسلامی کرامت، دلیل این دو امر نیز تبیین می‌شود.

طرحی جدید درباره آموزه کرامت در اندیشه اسلامی

«کرامت» لفظی مشترک است با دو معنا. معنای اول آن در دانش عرفان مورد توجه قرار می‌گیرد. کرامت در این معنا نیرویی است که در باطن انسان عارف ایجاد می‌شود تا بتواند برخلاف قوانین طبیعت در امور جهان محسوسات تصرف کند. به دیگر سخن، کرامت در

ادبیات عرفانی به کار یا رفتاری خارق العاده گویند که از سوی «ولی» انجام می‌گیرد و آن اظهار اتصال به نیرویی فراتر از حد بشری است (گولپینارلی، ۱۳۶۳: ۳۶۷).

معنای دیگر کرامت،^۱ احترام داشتن، یا به عبارتی گرامی بودن است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۰۶/۱۷-۶۰۷). «کریم» وصفی است که بر موجودی که خیر و کمال دارد، اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵۱۱/۱۲). این معنای کلی و جامع بر عزت و تفوق در خود شیء دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۴۶/۱۰). برای تحلیل و بررسی عمیق این واژه که محور اصلی این پژوهش است، شایسته است ابتدا از تحلیل مفهومی استفاده شود تا جهات گوناگونی که در واژه کرامت وجود دارد، تشریح گردد. در این شیوه، از راه بررسی واژه (گان) ای که عنصر یا عناصر سازنده مفهوم کرامت هستند، جنبه‌های اختصاصی، مهم و عینی آن، به شرح زیر، آشکار می‌شود:

کرامت داشتن به معنای گرامی بودن، از لوازم ارزشمند بودن است؛ به این معنا که، وقتی چیزی ارزشمند باشد، آن چیز کرامت دارد؛ یعنی گرامی است. بنابراین، از مفهوم ارزشمندی به کرامت می‌رسیم. مفهوم ارزشمندی نیز لازمه مفهوم داشتن کمال است. هرچیز به مقدار کمالی که دارد، به همان اندازه ارزشمند است. براین اساس، از کمال داشتن به ارزشمند بودن و از ارزشمند بودن به احترام داشتن؛ یعنی گرامی بودن، یا به عبارتی به کرامت داشتن، می‌رسیم. بنابراین، کرامت داشتن از لوازم کمال داشتن است. به دیگر سخن، هر موجود صاحب کمال هم ارزشمند و هم گرامی است؛ یعنی کرامت دارد. به بیان دیگر، هر موجود به اندازه کمالاتش ارزشمند است و به اندازه ارزشش کرامت دارد.

به دلیل آنکه مفهوم کرامت (احترام) با کمال و ارزشمندی همراه است، انسان‌ها در فطرت خویش به آن تمایل دارند. همه دوست دارند مورد احترام باشند. بنابراین، کرامت مطلوب ذاتی است؛ یعنی همه به سبب خود کرامت، دوست دارند آن را داشته باشند. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمودند: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا يَأْتِي الْكِرَامَةَ إِلَّا حِمَاؤُ. قُلْتُ: وَمَا مَعْنَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ فِي الظَّيْبِ يُعْرَضُ عَلَيْهِ وَ التَّوَسُّعَةِ فِي المَجْلِسِ، مَنْ أَبَاهُمَا كَانَ

1 Dignity.

كَمَا قَالَ «ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۶۳)؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: دوری نمی‌کند از کرامت مگر الاغ [صفت]. راوی [از امام رضا علیه السلام] می‌پرسد: این یعنی چه؟ امام فرمودند: کسی که به احترامش عطری به او تعارف کنند یا در مجلسی به احترامش جا برایش باز کنند و او از این دو کار ابا داشته باشد، همان است که امیرالمؤمنین فرمود (یعنی مانند الاغ کم عقل است). براساس یکی از اصول مسلم فلسفه اسلامی، همه موجودات کمال دارند؛ زیرا کمال داشتن، یکی از عوارض ذاتی وجود است. به این دلیل، وجود مساوق با کمال است. به بیان دیگر، هر جا وجود باشد، در آنجا کمال نیز هست. با انضمام این مطلب به مطالب بالا درمی‌یابیم همه موجودات هم وجود دارند، هم کمال دارند، هم ارزشمندند و هم کرامت دارند. به تعبیر دیگر، وجود یا خیر محض است یا خیر غالب (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۲۱). خیر همان کمال است. کمال هر موجود نیز موجب ارزش بوده و ارزشمندی نیز سبب جلالت شأن یا به عبارتی سبب کرامت (احترام) است. بنابراین، هر موجود، از جمله انسان، همچنان که وجود و کمال وجودی دارد، ارزشمند است و در نتیجه، کرامت نیز دارد. مطالب بالا را می‌توان به زبان نموداری زیر نشان داد:

وجود ← کمال ← ارزش ← کرامت

از این «هست»؛ یعنی از بودن کرامت، یک «باید» ناشی می‌شود. آن باید عبارت است از اینکه «هر موجود (دارای کمال و ارزش) را باید (به اندازه کمالات و ارزشش) گرامی داشت»؛ یعنی باید حق کرامت او را استیفا کرد. گرامی داشتن هر موجود، یا به عبارتی احترام گذاشتن به آن، به معنای رعایت حقوق آن موجود است.

نظریه اسلامی کرامت با استناد به اینکه حقیقت وجود همزاد کمال است، به این نتیجه می‌رسد که همه موجودات به قدر وجود خود کمال، ارزش و کرامت دارند و چون حقیقت وجود امری تشکیکی است، کمال موجودات، ارزش و کرامت آن‌ها نیز اموری تشکیکی‌اند. توضیح این مطلب براساس اصول حکمت متعالیه، به این شرح است: تفاوت وجود هر موجود با هستی موجود دیگر، تفاوت تشکیکی است؛ یعنی موجودات به لحاظ وجودی دارای درجات مختلف شدت و ضعف هستند. از این نوع تفاوت به تشکیک (طولی)

تعبیر می‌شود. بنابراین، موجودات هرچه قوی‌تر باشند، هم وجود شدیدتر دارند، هم کمالات بیشتر و هم ارزش و کرامت فزون‌تر. همچنان‌که وجود مراتب مختلف؛ یعنی درجات گوناگون دارد، همه عوارض ذاتی آن که اوصاف ذاتی وجود هستند نیز درجات مختلف دارند. بنابراین، کرامت نیز همانند اصل وجود، امری تشکیکی است و درجات متنوع دارد. بیشترین کرامت به قوی‌ترین وجود؛ یعنی وجود خداوند متعال که واجب الوجود است، تعلق دارد. به این دلیل، او اکرم‌الاکرمین است. در مقابل، کمترین کرامت از آن ضعیف‌ترین وجود است؛ یعنی وجود بالقوه محض که هیولای اولی نام دارد.

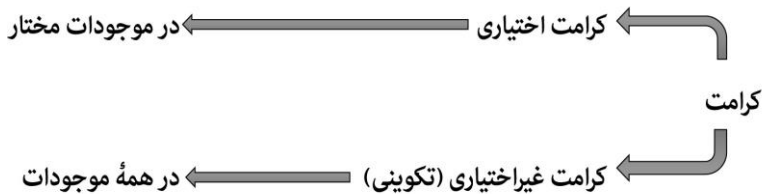
انواع کرامت

کرامت از اوصاف و عوارض ذاتی وجود است، و موجود یا مختار است یا بی‌اختیار؛ بنابراین، کرامت موجودات نیز یا اختیاری است یا غیراختیاری. کرامت اختیاری تابعی از کمالات اختیاری موجودات مختار است. کرامت غیراختیاری تابعی از کمالات تکوینی موجودات است. خداوند متعال این کمالات را، همانند اصل وجود آن‌ها به هر موجود عطا کرده است و اگر موجود، مختار نیز باشد، اختیار او در اعطای کرامت تکوینی به او نقشی ندارد به جز آنکه اصل اختیار؛ یعنی اراده، برای هر موجود مختار یک کمال تکوینی است. برای نمونه، یک انسان یا حیوان، قوای مختلف نفسانی دارد. این قوا کمالات تکوینی انسان و حیوان هستند. اختیار انسان یا حیوان در بود و نبود این قوا نقشی ندارد. در نتیجه، کرامتی که مربوط به وجود قوای انسان یا حیوان است، کرامت غیراختیاری، یا به عبارتی کرامت تکوینی است. برخی از نویسندگان به چنین کرامتی در انسان کرامت ذاتی گفته‌اند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۷۸ و ۱۱۶-۱۲۰؛ ایازی، ۱۳۸۳: ۵۲؛ هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۶؛ راسخ، ۱۳۸۸: ۳۸۵؛ هکی، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۷).

به نظر می‌رسد این نام‌گذاری مناسب نباشد؛ زیرا امر ذاتی هیچ‌گاه از ذات جدا نمی‌شود، درحالی‌که برخی از درجات کرامت ذاتی می‌تواند از ذات موجود، از جمله انسان، جدا شود و آن هنگامی است که بخشی از کمالات تکوینی ذات از بین برود؛ برای نمونه، اگر انسان بعضی از توانایی‌های تکوینی خود؛ مانند حس بینایی یا قدرت شناخت خود را

از دست بدهد، برخی از کمالات تکوینی خود را از دست داده است و در نتیجه، مقدار کرامتی را که مربوط به بینایی یا قدرت شناخت است، از دست می دهد.

حاصل آنکه، کرامت را نمی توان کرامت ذاتی نامید؛ چون ممکن است در برخی شرایط از دست برود؛ در حالی که امر ذاتی مفقود نمی شود. به جای نام ذاتی، میتوان آن را کرامت غیراختیاری (تکوینی) نامید. این نوع کرامت، قسیم کرامت اختیاری است. کرامت اختیاری تابعی از کمالات اختیاری موجودات مختار است. به جای انتخاب شر و عمل به آن، کمالات اختیاری در اثر انتخاب خیر و عمل به آن به دست می آیند. بنابراین، کرامت اختیاری فقط در موجودات مختار وجود دارد. این مطلب را می توان به زبان نموداری زیر بیان کرد:



به دلیل آنکه کرامت، چه اختیاری و چه غیراختیاری، در نهایت، تابعی از وجود هر موجود است و وجود در یک تقسیم کلی به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می شود، کرامت نیز یا ثابت است، یا متغیر. اگر وجود موجود دارای کمالات ثابت؛ یعنی کمالات تغییرناپذیر، باشد، ارزش و در نتیجه، کرامت آن موجود نیز امری ثابت است؛ اما اگر وجود موجودی متغیر باشد، کمالات آن موجود نیز نا ثابت است و بر این اساس، ارزش و کرامت آن نیز در معرض تغییر است.

برای نمونه، کرامت خداوند متعال و همه فرشتگان ثابت است؛ زیرا وجودشان مجرد تام و تغییرناپذیر است و به تبع آن، کمالاتشان نیز ثابت است؛ اما کرامت دیگر موجودات متغیر است؛ زیرا وجودشان نا ثابت است. وجود این موجودات، خواه مانند وجود انسان و جن، مجرد ناقص باشد و خواه وجود غیر مجرد، همگی کرامت نا ثابت دارند. از اینجا دلالت آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» بر این مطلب روشن می شود که تقوا سبب تکامل بیشتر

می‌شود و کمال بیشتر موجب کرامت بیشتر هر انسان است. درمقابل، هرچه تقوای بشر کمتر شود، کمالات اختیاری او و به تبع آن، کرامت اختیاری او نیز کاهش می‌یابد. آخرین نکته‌ای را که می‌توان در این قسمت از بحث، بر آن تأکید کرد، این است که چون کرامت در نتیجه داشتن کمال و سپس داشتن ارزش تحقق می‌یابد، به ازای هر کمالی و مقدار ارزش آن، مقداری کرامت برای موجود وجود دارد. براین اساس، یک موجود به تعداد کمالاتی که دارد، کرامت‌های متعدد نیز دارد. این کرامت‌ها کرامت‌های جزئی آن موجود هستند. برآیند همه آن‌ها یک کرامت کلی است که می‌توان به آن موجود نسبت داد.

برای نمونه، فرض کنیم شخصی برخی از کمالات اختیاری؛ مانند علم، شجاعت و صداقت (راست‌گویی) دارد؛ اما ملکه عدالت ندارد. روشن است که چنین شخصی به اندازه کمالات اختیاری که دارد، کرامت نیز دارد. برآیند کرامات او نسبت به کسی که افزون بر این کمالات، ملکه عدالت نیز دارد، کمتر است. به بیان دیگر، مجموع کرامت‌های شخص دوم بیش از شخص اول است؛ زیرا کمالات او، ارزشمندی او و کرامت‌های جزئی او بیش از شخص اول است. بنابراین، کرامت کلی شخص دوم بیش از کرامت کلی شخص اول است. آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» به کرامت کلی افراد که برآیند همه کرامت‌هایشان است، اشاره دارد. توضیح اینکه، تقوا برآیند کمالات اختیاری انسان است. کسی که مجموع کمالات اختیاری اش بیش از دیگران باشد، مجموع کرامت‌هایش نیز بیشتر است.

خلاصه کلام آنکه، «نظریه اسلامی کرامت بشر» با اتکای به عقل می‌گوید:

۱. کرامت به انسان اختصاص ندارد، بلکه همه موجودات، چه حقیقی و چه اعتباری، به اندازه کمالات خود، کرامت دارند.
۲. کرامت امری تشکیکی است و درجات گوناگون دارد.
۳. بیشترین کرامت از آن خداوند متعال است؛ زیرا او واجب الوجود است و بنابراین، اکریم‌الاکرمین است. کمترین کرامت به ضعیف‌ترین موجودات، مانند هیولای اولی، تعلق دارد.
۴. کرامت به دو دسته اختیاری و غیراختیاری (تکوینی) تقسیم می‌شود. کرامت

اختیاری به موجودات مختار اختصاص دارد و کرامت غیراختیاری به همه موجودات (مختار و غیرمختار) تعلق دارد.

۵. هر موجود، چه مختار باشد و چه غیرمختار، به تعداد کمالاتش کرامت نیز دارد؛ زیرا هر کمال سبب پیدایش یک کرامت می شود. حاصل جمع کرامت های موجودات، ملاک برتری آن ها بر یکدیگر است.

آنچه تاکنون گفته شد رویکرد عقلی نظریه اسلامی کرامت بود. افزون بر روش عقلی، شواهد نقلی قرآنی و روایی نیز بر درستی این نظریه گواهی می دهند. شواهد نقلی نظریه اسلامی کرامت بشر در این نوشتار برخی از آیات قرآن و احادیث منقول از امام رضا علیه السلام درباره کرامت به شرح زیر است:

برداشت های قرآنی و رضوی کرامت

افزون بر عقل، منابع نقلی اسلام نیز از «نظریه اسلامی کرامت» از زوایای گوناگون حمایت می کنند. مقصود از منابع نقلی اسلام، کتاب و سنت است. مراد از کتاب، کتاب آسمانی اسلام؛ یعنی قرآن است و منظور از سنت در اینجا احادیث منقول از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است؛ اما چون هدف این مقاله بیان نظریه اسلامی کرامت با تأکید بر دیدگاه امام رضا علیه السلام است، بیشتر احادیث مورد استناد در این نگارش از سخنان آن حضرت انتخاب شده است. زوایای مختلفی که «نظریه اسلامی کرامت» با استناد به عقل اثبات کرده است و آیات قرآن و روایات منقول از امام رضا علیه السلام آن ها را تأیید می کنند، بدین شرح مورد توجه قرار می گیرند:

۱. شمول کرامت نسبت به غیرانسان

یکی از ادعاهای «نظریه اسلامی کرامت» آن است که کرامت به انسان اختصاص ندارد، بلکه همه موجودات متصف به کرامت اند. برخی از موجوداتی که در قرآن و نیز در سخنان امام رضا علیه السلام با کرامت دانسته شده اند، عبارت اند از:

- خداوند

قرآن مجید کرامت را به غیرانسان‌ها نیز نسبت داده است. یکی از آن موارد، انتساب کرامت به خداوند است. خداوند متعال در چند جای قرآن، خود را با دلالت مطابقی یا التزامی با کرامت (کریم) معرفی کرده است؛ برای نمونه، در این آیه می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ (نمل/۴۰)؛ پروردگار من غنی و گرامی (با کرامت) است. در آیه‌ای دیگر نیز آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ (انفطار/۶)؛ ای انسان چه چیز تو را نسبت به پروردگار گرامی‌ات مغرور کرده است؟ این دو آیه دلالت مطابقی بر کرامت خدای متعال دارند.

همچنین آیه ۷۰ سوره اسراء بر کرامت خداوند (و فرشتگان) دلالت التزامی دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾؛ «ما انسان‌ها را گرامی داشتیم (کرامت بخشیدیم) ...». دلالت التزامی این آیه بر کرامت خداوند (و فرشتگان) آن است که او (و فرشتگان) به انسان‌ها کرامت داده است و امکان ندارد بخشنده کرامت، خود، کرامت نداشته باشد. به دیگر سخن، مُعْطِي شَيْءٍ فَاقِدَ أَنْ يَكُونَ نَبِيًّا؛ در نتیجه، خداوند کرامت دارد.

امام رضا علیه السلام نیز در بخش‌هایی از سخنان خود، صفت کرامت را به خداوند متعال نسبت داده‌اند. ایشان در پاسخ به نامه یکی از بازرگانان که درباره خمس سؤال کرده بود، نوشتند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. ضَمِنَ عَلَى الْعَمَلِ الثَّوَابَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۷/۱)؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. همانا خدا دستش باز و گرامی است. او در ازای عمل (دادن خمس)، ثواب را تضمین کرده است....

همچنین آن حضرت در روز عرفه دعایی را انشاء کرده‌اند و در پایان دعا، خطاب به خداوند متعال فرموده‌اند: «... يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۳۳۹/۱)؛ ... ای بخشنده، ای با کرامت، ای صاحب جلالت و کرامت بخشی.

۱ حدیث ۲۵. قَالَ: كَتَبَ رَجُلٌ مِنْ تُجَّارِ فَارِسَ مِنْ بَعْضِ مَوَالِي أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَسْأَلُهُ الْإِذْنَ فِي الْخُمْسِ....

- عرش الهی

قرآن کریم در سوره مؤمنون عرش پروردگار را نیز گرامی (باکرامت) دانسته است، آنجا که می‌فرماید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ (مؤمنون/۱۱۶)؛ معبودی جز او نیست؛ او پروردگار عرش گرامی (باکرامت) است.

- قرآن

افزون بر خداوند و عرش الهی، برخی دیگر از موجودات نیز در قرآن با وصف کرامت آراسته شده‌اند. یکی از آن‌ها خود قرآن است. خدای متعال در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾ (واقعه/۷۷)؛ همانا این قرآن گرامی (باکرامت) است.

- فرشته

در قرآن صفت کرامت به فرشته نیز نسبت داده شده است: ﴿إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾ (یوسف/۳۱)؛ این (شخص) کسی جز فرشته‌ای باکرامت (گرامی) نیست. امام رضا علیه السلام نیز از پدران بزرگوارشان و آنان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که خداوند فرمود: «ای فرزند آدم! نسبت به من انصاف نداری. من با اعطای نعمت به تو از در دوستی با تو در می‌آیم؛ اما تو با گناه کردن، به من ناخشنودی خود را از من نشان می‌دهی. از طرف من به تو نیکی نازل می‌شود؛ اما از طرف تو به من بدی بالا می‌آید و همواره در هر شب و روز فرشته‌ای گرامی کارهای زشت تو را به سوی من بالا می‌آورد»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۷۰).

- زمان

«زمان» در خوانش فلسفی به مقدار حرکت یک موجود گفته می‌شود (صدر المتألهین، ۱۹۸۱: ۱۱۵/۳). حرکت به معنای تغییر تدریجی است. حرکت، یا به عبارتی تغییر تدریجی،

۱. عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا قَالَ: «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ): يَقُولُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ): يَا ابْنَ آدَمَ مَا تَنْصِفُنِي، أَتَحَبِّبُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ، وَتَتَمَقَّتُ إِلَيَّ بِالْمَعَاصِي، خَيْرِي إِلَيْكَ مُنْزَلٌ، وَشُرْكَ إِلَيَّ صَاعِدٌ، وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَعْرُجُ إِلَيَّ عَنْكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ».

وصف دائمی موجود مادی است (همان، ۶۴/۳-۶۶). به دیگر سخن، هر موجود مادی دائماً در حال حرکت است. بنابراین، زمان مقدار حرکت هر موجود مادی است (همان، ۱۱۷/۳). پیش از ظهور مکتب حکمت متعالیه با صدر المتألهین علیه السلام، فیلسوفان مسلمان حرکت را چهار نوع می دانستند: کمی، کیفی، وضعی و مکانی. صدر المتألهین حرکت جوهری را نیز بر آن ها افزود (همان، ۷۹/۳). زمان، یعنی مقدار حرکت، اندازه آن را نشان می دهد. زمان ماهیت عرضی دارد و نوعی کمیت متصل و غیر قارّ الذات است (همان، ۴۲۶/۱ و ۱۱۷/۳)؛ یعنی اجزای آن با هم و یکجا وجود ندارند، بلکه فقط یک آن تحقق دارد.

زمان عرفی را که مردم می شناسند، مقدار حرکت کره زمین است که به دو صورت محاسبه می شود: ۱. مقدار حرکت وضعی زمین به دور خود که سبب ایجاد شب و روز است، ۲. مقدار حرکت زمین به دور خورشید که سبب ایجاد فصول مختلف و سال است. برخی زمان ها به لحاظ قداست بر دیگر زمان ها برتری دارند، همچنان که برخی دیگر از زمان ها نسبت به بقیه از کرامت کمتری برخوردارند. دلیل این دو امر وقایعی است که در آن ها اتفاق افتاده است.

برای نمونه، به دلیل آنکه در روز عید غدیر (هیجدهم ذی الحجه) خداوند متعال حضرت علی علیه السلام را برای رهبری امت مسلمان، پس از پیامبر اسلام برگزید و به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد جانشینی او را به مردم اعلام کند و ایشان نیز چنین کردند و به این وسیله، خدا دین اسلام را کامل کرد، امام رضا علیه السلام روز عید غدیر را محترم شمرده و آن را صاحب کرامت معرفی کرده اند. معنای این امر آن نیست که دیگر زمان ها کرامت ندارند، بلکه معنایش آن است که این روز از دیگر روزها گرامی تر است. ایشان در حدیثی فرمودند: «پدرم از پدرشان نقل کردند که ایشان فرمود: روز عید غدیر در آسمان [نزد فرشتگان] مشهورتر است از این روز در زمین [نزد مردم]. همانا خداوند متعال در بهشت اعلیٰ قصری دارد که خشت آن از نقره و طلاست. سپس آن حضرت آن قصر را وصف کردند و اینکه در روز عید غدیر فرشتگان در آن کاخ گردهم می آیند و از کرامت آن روز به آن ها می رسد...»^۱

۱. فَقَالَ الرَّضَا علیه السلام: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ قَالَ: إِنَّ يَوْمَ الْعَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهُرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ. إِنَّ لِلَّهِ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَبَنَةٌ مِنْ فُضَّةٍ وَ لَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، ثُمَّ ذَكَرَ وَصَفَ ذَلِكَ الْقَصْرَ وَ مَا يَجْتَمِعُ فِيهِ يَوْمَ

(طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۸۸/۱۴).

- رزق و روزی

خداوند متعال در چهار سوره قرآن، رزق و روزی را با صفت کریم همراه کرده و فرموده است: ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (انفال/۷۴، حج/۵۰، نور/۲۶، سبأ/۴)؛ برای آن‌ها آمرزش و روزی ارجمند است.

- اجر و پاداش

همچنین در دو سوره سخن از پاداش ارزشمند به میان آمده است: ﴿فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾ (یس/۱۱)؛ او را به آمرزش و پاداشی ارزشمند بشارت ده. و ﴿لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید/۱۱) و نیز ﴿لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید/۱۸)؛ پاداش ارزشمند برای آن‌ها (ها)ست.^۱ آنچه تاکنون در منابع نقلی موصوف کرامت نشان داده شد، موجودات حقیقی بودند. افزون بر آن‌ها، در این منابع به برخی موجودات اعتباری نیز صفت کرامت به شرح زیر نسبت داده شده است:

- سخن

در قرآن واژه کرامت وصف سخن نیز قرار گرفته است. سخن یا گفتار، وجودی اعتباری؛ یعنی قراردادی دارد. سخن بر دو نوع است: مکتوب و ملفوظ. در قرآن کریم، هر دو نوع سخن با وصف کرامت بیان شده است؛ برای نمونه، نامه حضرت سلیمان به بلقیس با وصف کرامت یاد شده است، آنجا که خداوند متعال از زبان بلقیس می‌فرماید: ﴿إِنِّي أُلْقِي إِلَى كِتَابٍ كَرِيمٍ﴾ (نمل/۲۹)؛ نامه‌ای گرامی به دستم رسیده است. در قرآن، افزون بر وجود مکتوب، وجود لفظی نیز با وصف کرامت آمده است. آیه ۲۳ سوره اسراء صفت کرامت را به

→ الْعَدِيرِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَا يَنَالُونَ مِنْ كَرَامَةٍ ذَلِكَ الْيَوْمِ».

۱. مواردی دیگر نیز در قرآن با وصف کرامت بیان شده‌اند؛ مانند مقام کریم در آیات ﴿وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾

(شعراء/۵۸) و ﴿وَرُزُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾ (دخان/۲۶)».

وجود ملفوظ نیز نسبت داده است. در این آیه می‌فرماید: ﴿... وَقُلْ لهما قولا كريماً﴾؛ ... به پدر و مادرت سخن گرامی بگو.

امام رضا عليه السلام نیز در این راستا، برخی سخنان را گرامی دانسته‌اند. ایشان در حدیثی از پدران بزرگوارشان عليهم السلام و سپس از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «شهادت به وحدانیت خداوند گفتاری بزرگ و گرامی نزد خداوند است. هرکس آن را با اخلاص بگوید، [دخول در] بهشت بر او واجب می‌شود...»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۳/۷).

۲. مراتب تشکیکی کرامت

پیش‌تر دانستیم که چون کرامت یکی از اوصاف ذاتی، یا به عبارتی یکی از عوارض ذاتی وجود است، و وجود مراتب تشکیکی دارد، کرامت نیز درجات گوناگون دارد. آیه ﴿...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأْتِكُمْ ...﴾ (حجرات/۱۳)، بر تشکیکی بودن مراتب کرامت دلالت دارد.

در این باره امام رضا عليه السلام نیز فرموده‌اند: «خداوند خصوصیت در آیه ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه/۱۳۲) را به ما اختصاص داده است؛ زیرا او ما و امت اسلام را به برپایی نماز امر کرد و آن‌گاه این خصوصیت را به ما اختصاص داد. هنگامی که آیه فوق نازل شد، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به مدت نُه ماه هنگام وقت نمازهای پنج‌گانه به درِ خانه علی و فاطمه عليهما السلام می‌رفت و می‌فرمود: نماز را به پا دارید، خدا شما را رحمت کند. خداوند متعال به هیچ‌یک از ذریه پیامبران کرامتی را که به ما داده است، نداده است. این [درجه] کرامت را خدا به ما اختصاص داده است، نه به اهل بیت آن‌ها»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۴۰/۱؛ هاشمی

۱. عَنِ الرَّصَا عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا اسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ...».

۲. «خَصَّنَا اللَّهُ بِهَذِهِ الْخُصُوصِيَّةِ إِذْ أَمَرْنَا مَعَ الْأُمَّةِ بِإِقَامَةِ الصَّلَاةِ ثُمَّ خَصَّنَا مِنْ دُونِ الْأُمَّةِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَجِيءُ إِلَى بَابِ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ بَعْدَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَ حُضُورِ كُلِّ صَلَاةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَيَقُولُ: الصَّلَاةُ، رَحِمَكُمُ اللَّهُ. وَ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيِّ الْأَنْبِيَاءِ بِمِثْلِ هَذِهِ الْكِرَامَةِ الَّتِي أَكْرَمْنَا بِهَا وَ خَصَّنَا مِنْ دُونِ جَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِمْ.»

خویی، ۱۴۰۰/۱۲/۳۳۰). دلالت این حدیث بر تشکیکی بودن کرامت آن است که پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت او بالاترین کرامت را دارند و دیگران کمتر از آن را دارند. امام سجاد علیه السلام نیز در بخشی از دعای ختم قرآن خدا را چنین خوانده‌اند: «... و قرآن را وسیله رسیدن ما به بالاترین درجات کرامت قرار ده»^۱ (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۲۰). نیز در دعای دیگری از خدا چنین خواسته‌اند: «خدایا به محمد و آل او، که درود تو بر آن‌ها باد، از هر نوع کرامت، بالاترین درجه آن را عطا فرما»^۲ (همان، ۵۵۷). این روایات بر درجه بندی کرامت دلالت دارند.

۳. اقسام کرامت

به دلیل آنکه موجودات به دو دسته مختار و غیرمختار تقسیم می‌شوند، کرامت نیز به تبع وجود، دو نوع است: اختیاری و غیراختیاری (تکوینی). در قرآن کریم نیز به این دو نوع کرامت در آیات مختلف اشاره شده است.

برای نمونه، انسان که موجودی است مرکب از اختیار و عدم اختیار، بخشی از کرامت‌های او کرامت‌های اختیاری و بخشی دیگر کرامت‌های تکوینی است. تعدادی از کمالات و اوصاف انسان تکوینی است؛ مانند داشتن قوای مختلف گیاهی (نباتی)، حیوانی و عقلانی. کرامت‌هایی که مربوط به این خصوصیات تکوینی انسان است، کرامت‌های غیراختیاری (تکوینی) هستند. مقصود خداوند متعال در آیه زیر برخی از این کرامت‌هاست؛ مانند داشتن عقل نظری و عملی: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ ما به فرزندان آدم کرامت [ها] عطا کردیم... و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

دسته دیگر از کرامت‌های بشر، کرامت‌هایی است که در اثر انجام کار نیک و با هدف رسیدن به کمالات مطلوب اخلاقی حاصل می‌شوند. این کرامت‌ها که در اثر اکتساب

۱. «... وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ...».

۲. «اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ أَفْضَلَ تِلْكَ الْكَرَامَةِ».

کمالات اختیاری به دست می‌آیند، در آیه ﴿...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...﴾ (حجرات/۱۳) به آن‌ها اشاره شده است.

موجودات دیگر نیز به تناسب داشتن یا نداشتن قوه انتخاب، دارای کرامت اختیاری و غیراختیاری (تکوینی) هستند؛ برای نمونه، بیشتر کرامت‌های فرشتگان اختیاری است؛ زیرا آن‌ها موجوداتی مجرد از ماده و دارای اراده هستند، هرچند آن‌ها در بودن و نبودن خود مختار نیستند. خداوند متعال درباره فرشتگان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند [به‌طور کامل] اجرا می‌کنند». ^۱ خشونت، سخت‌گیری، عصمت فرشتگان؛ یعنی مخالفت نکردن آن‌ها با فرمان خداوند و اطاعت کردن از او، همگی کمالاتی اختیاری است که فرشتگان دارند و کرامت‌های مترتب بر این کمالات نیز همگی اختیاری است.

برخی از موجوداتی که در قرآن با کرامت معرفی شده‌اند، کرامت اختیاری ندارند؛ زیرا در وجودشان قوه انتخاب نیست؛ مانند نامه حضرت سلیمان به بلقیس که در آیه ﴿إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ﴾ (نمل/۲۹) به کرامت غیراختیاری آن اشاره شده است. همچنین آیاتی دیگر از قرآن که به کرامت موجوداتی غیرمختار اشاره می‌کند، همگی بر کرامت غیراختیاری (تکوینی) دلالت دارند؛ مانند آیه «...وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (لقمان/۱۰)؛ «... و از آسمان آبی فرو فرستادیم و به وسیله آن در زمین از همه جفت‌های گیاهان ارزشمند رویانیدیم». که گیاهان را با کرامت معرفی کرده است. روشن است طبق نظر عرفی، گیاهان در رشد و نمو خود اختیاری ندارند. بنابراین، همچنان‌که کمالات گیاهان غیراختیاری است، کرامت‌های مبتنی بر آن کمالات نیز غیراختیاری است.

امام رضا علیه السلام در حدیثی در این باره از پدرانشان علیهم السلام و آن‌ها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ایشان

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم/۶)

از خداوند متعال نقل کرده‌اند که خداوند فرمود: «... من می‌خواهم بندگانم از روی اختیار و بدون اکراه یا اجبار ایمان بیاورند تا استحقاق مقام والا و کرامت و جاودانگی در بهشت جاویدان را پیدا کنند»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸/۱: ۱۳۵). این حدیث بر این مطلب دلالت دارد که نوعی از کرامت، کرامت اختیاری است و حتماً باید با انتخاب آگاهانه تحقق یابد.

۴. تعدد کرامت [ها]

یکی از نتایج «نظریه اسلامی کرامت» تعدد کرامت‌های هر موجود به تعداد کمالاتی است که آن موجود دارد؛ برای نمونه، هر انسان کمالات اختیاری و غیراختیاری (تکوینی) گوناگون دارد و به تعداد آن‌ها کرامت دارد. کمالات تکوینی بشر امکاناتی است که خداوند به او داده است تا زندگی مناسب داشته باشد. این امکانات در سه گروه مهم دسته‌بندی می‌شوند: امکانات گیاهی، امکانات حیوانی و امکانات عقلانی (ارسطو، ۱۳۶۶: ۹۴؛ ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۲؛ طوسی، ۱۳۷۵: ۴۰۸/۲؛ صدر المتألهین، ۱۹۸۱: ۵۳/۸ و ۱۲۹). هریک از این سه دسته امکانات، توانایی‌های مختلفی را دربر دارد. امکانات گیاهی شامل تغذیه، تنفس، بهداشت، درمان و تولید مثل می‌شود (طالبی، ۱۴۰۲: ۲۰۶-۲۰۷). امکانات حیوانی توانایی‌های حسی و حرکتی بشر را دربر دارد (همان، ۱۳۹-۲۴۰). امکانات عقلانی انسان داشتن عقل نظری و به-کارگیری عقل عملی است (همان، ۲۶۳). بنابراین، کرامت‌های غیراختیاری (تکوینی) بشر به کرامت‌های مختلف گیاهی، حیوانی و عقلانی تقسیم می‌شوند.

کرامت‌های اختیاری انسان نیز متعدد هستند. انواع مکارم اخلاقی، مانند دانش، شجاعت، مروت، دانایی، صداقت و سخاوت، همگی کمالات اخلاقی اختیاری‌اند و در پرتو تلاش بشر به دست می‌آیند و همه آن‌ها در مقوله عقلانیت عملی، یا به اصطلاح اسلامی در مقوله تقوا می‌گنجند. هریک از این کمالات سبب بروز کرامتی به اندازه همان کمال است؛ حاصل جمع این کرامت‌ها کرامت هر شخص است.

۱. «لَكَيْتِي أُرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لَيْسَتْ حَقُوقًا مِنِّي الزُّلْفَىٰ وَالْكَرَامَةُ وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ».

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام این دعا را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است: «خدایا به محمد و آل او، که درود تو بر آنان باد، از هر کرامتی بهترینش را و از هر نعمتی وسیع ترینش را عطا فرما»^۱ (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۳).

عبارت «از هر کرامتی بهترینش را عطا فرما» بر این مطلب دلالت دارد که اولاً هر شخص بیش از یک کرامت دارد و ثانیاً کرامت امری تشکیکی است؛ یعنی درجات مختلف دارد که پیش تر درباره آن توضیح داده شد.

۵. مقیاس سنجش کرامت

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که چگونه می توان حاصل جمع کرامت های یک موجود را محاسبه کرد؟ برای پاسخ گویی کامل و درخور به این پرسش، باید پژوهشی مستقل انجام شود و این نوشتار کوتاه گنجایش آن را ندارد. با این همه و به طور مختصر می توان گفت:

درجه بندی کرامت ها تابعی از درجه بندی ارزشمندی و آن نیز تابعی از درجه بندی کمالات هر موجود است. در نهایت، چون تشکیک در کرامت ها به تشکیک در وجود برمی گردد، برای احتساب مقدار کرامت هر موجود باید درجه وجودی آن موجود را محاسبه کرد. بر این اساس، واجب الوجود که کامل ترین وجود را داراست، بیشترین کرامت را دارد. به بیان دیگر، او اُکرم الأکرمین است. دیگر موجودات به تناسب جایگاهشان در هرم هستی از کرامت نیز برخوردارند. پس از خداوند متعال، عقل برترین جایگاه را در میان مخلوقات دارد؛ زیرا او اولین و کامل ترین مخلوق خداوند است.

امام رضا علیه السلام درباره عقل فرمودند: «خدا عقل را که آفرید به او فرمود: به عزت و جلالم سوگند که هیچ چیز را بهتر از تو خلق نکردم...»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۱-۲۸). از این حدیث

۱. «اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ أَفْضَلَ تِلْكَ الْكَرَامَةِ وَمِنْ كُلِّ نَعِيمٍ أَوْسَعَ ذَلِكَ النَّعِيمِ».

۲. متن کامل روایت چنین است: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَهُ أَصْحَابُنَا وَذَكَرَ الْعَقْلُ قَالَ: فَقَالَ علیه السلام:

فهمیده می‌شود که برترین مخلوق عقل است. در نتیجه، با کرامت‌ترین مخلوق نیز عقل است. به این دلیل است که امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «خداوند متعال پس از آنکه عقل را آفرید به او فرمود: ... من تو را نسبت به همه مخلوقاتم بیشتر کرامت دادم...»^۱ (همان، ۲۱/۱). برطبق این روایت، اولین مخلوق عقل است و عقل اکرم مخلوقات است. در روایت دیگری امام رضا علیه السلام از پدران‌شان و آن‌ها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «... همانا اولین چیزی را که خداوند آفریده است، ارواح ماست...»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۶۲/۱). در همین روایت آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «... خداوند متعال هیچ مخلوقی را با فضیلت‌تر و محترم‌تر (با کرامت‌تر) از من نیافریده است»^۳ (همان‌جا). براین اساس، برترین و با کرامت‌ترین مخلوق، روح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. به دلیل آنکه روح و نور ایشان با ارواح و انوار امامان معصوم علیهم السلام وحدت دارد، همه آنان در داشتن کرامت نیز همسان‌اند.

همچنین از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری نقل شده است که فرمودند: «اولین مخلوق خدا نور من است»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۲۵). از انضمام این روایت به فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره که فرمودند: «... شهادت می‌دهم که جان‌های شما و نور شما و سرشت شما یکی است...»^۵ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۶۱۳/۲؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۲)، چنین

→ «لَا يُعْبَأُ بِأَهْلِ الدِّينِ مِمَّنْ لَا عَقْلَ لَهُ». قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ مِمَّنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ قَوْمًا لَا بَأْسَ بِهِمْ عِنْدَنَا وَ لَيْسَتْ لَهُمْ تِلْكَ الْعُقُولُ. فَقَالَ: «لَيْسَ هَؤُلَاءِ مِمَّنْ حَاظَبَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ وَ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ فَقَالَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْكَ أَوْ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أَخَذُ وَ بِكَ أُعْطِي».

۱. متن کامل حدیث از این قرار است: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَ هُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ، فَقَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبِرْتُمْ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَ كَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي».

۲. «...أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْوَاحَنَا...».

۳. «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَ لَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي...».

۴. «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي...».

۵. «أَشْهَدُ... أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِبَنَّتْكُمْ وَاحِدَةً...».

فهمیده می‌شود که مقام پیامبر خدا و مقام اهل بیت ایشان برترین مقام در میان مخلوقات است و کرامت همه آنان در یک سطح است. امام هادی علیه السلام در ادامه زیارت جامعه می-فرمایند: «خدا مقام شما را برتر از مقام همه کرامت یافتگان و بالاتر از جایگاه مقربان [به خودش] و بالاتر از مقام رسولان قرار داده است، به گونه‌ای که هیچ کس در مقام به پای شما نمی‌رسد...»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۶۱۳/۲؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۹۸/۶).

پس از وجود عقل اول که مقام نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان است، فرشتگان خلق شدند و مقام آن‌ها و کرامت آن‌ها در رتبه بعد است. پس از آفرینش فرشتگان که مجرد تام هستند، مرتبه موجودات مادی قرار دارد. انسان (عادی)، جن، حیوان، گیاه و جماد مراتب گوناگون موجودات مادی در هرم هستی هستند. فضل وجودی آن‌ها به ترتیبی است که ذکر شد. به بیان دیگر، مقام انسان بالاتر از جن و مقام جن بالاتر از حیوان است. پس از حیوان، گیاه و سپس جماد قرار دارند. کرامت آن‌ها نیز به همین ترتیب است؛ زیرا کمالات آن‌ها متفاوت است.

آنچه تاکنون گفته شد، مختصری درباره مقیاس تشخیص کرامت تشکیکی انواع مختلف موجودات است؛ اما در پاسخ به پرسشی که در ابتدای این قسمت مطرح شد، که چگونه می‌توان حاصل جمع کرامت‌های یک موجود را محاسبه کرد؛ یعنی مقیاس تشخیص کرامت افراد یک نوع چیست، می‌توان چنین گفت: چون مجردات تام نوعشان منحصر در فرد است (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۸۶)، نیازی به مقیاس تشخیص کرامت آن‌ها نسبت به افراد هم‌نوعشان نیست؛ زیرا آن‌ها مثل ندارند؛ یعنی فرد یا افراد هم‌نوع ندارند؛ اما در موجوداتی که مثل دارند یا می‌توانند داشته باشند؛ یعنی افراد هم‌نوع دارند یا می‌توانند داشته باشند، یعنی انواع مادی، برای تشخیص مقدار کرامت هر یک از افراد نوع، به معیار سنجش مقدار کرامت افراد نوع نیاز است. این معیار را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

هر نوع از انواع موجودات برای هدفی آفریده شده است. هر کمالی که سبب می‌شود

^۱ «فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ...».

فردی از افراد یک نوع (مادی) سریع‌تر از امثالش به هدف برسد، آن کمال از دیگر کمالات آن فرد کرامت بیشتری به همراه دارد، و کمالات آن فرد در مجموع، از کمالات دیگر افراد هم‌نوع موجب کرامتی بیش از کرامت دیگران می‌شود. در این میان، کمالات اختیاری و غیراختیاری (تکوینی) تفاوتی ندارند.

برای نمونه، اگر هدف از ایجاد یک چاقو را بُرندگی آن بدانیم، تیزی چاقو کمالی است که آن را بیش از دیگر اوصافش؛ مانند وزن، جنس، اندازه و رنگش، به هدف (بُرندگی) نزدیک می‌کند. در این مثال، هرچند تیزی، وزن، جنس، اندازه و رنگ همگی کمالات تکوینی کارد هستند؛ اما تأثیر تیزی برای هدف استفاده از چاقو؛ یعنی بُرندگی، بیش از تأثیر دیگر کمالات آن است. بنابراین، کاردی که برنده‌تر است، نسبت به دیگر کاردها کرامت بیشتری دارد. این مثال در مورد موجودی غیرمختار است.

در صورتی که برخی از کمالات یک موجود، اختیاری باشد؛ مانند انسان یا جن یا حتی حیوان، مقیاس سنجش کرامت یک فرد نسبت به امثالش همان است که گفته شد؛ برای نمونه، انسان را در نظر بگیریم که افزون بر تعدادی از اوصاف و کمالات تکوینی و کرامت‌های غیراختیاری، اختیار و قوه انتخاب نیز دارد و بسیاری از کمالات او اختیاری است. در این مورد نیز باید به هدف از خلقت انسان نظر کنیم و کمالات اختیاری او را در تأمین رسیدن به هدف مطلوب از آفرینش بشر ارزیابی کنیم و آن‌گاه او را با دیگر انسان‌ها مقایسه کنیم. هدف از آفرینش بشر رسیدن او به مقام خلیفه الهی است، یا به عبارتی، رسیدن به مقام انسان کامل است. در اندیشه اسلامی، راه رسیدن به آن مقام، پیروی از عقل عملی دانسته شده است و نتیجه آن، دریافت نعمت‌های بهشتی است. امام صادق (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «عقل چیزی است که با [پیروی از] آن خدا پرستیده می‌شود و [نعمت‌های] بهشت به دست می‌آید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱). براساس آیات قرآن، رسیدن به نعمت‌های بهشتی رستگاری بزرگ [و جاودان] است (نساء/ ۱۳؛ توبه/ ۸۹ و ۱۰۰؛ حدید/ ۱۲؛ صف/ ۱۲؛ تغابن/ ۹؛ بروج/ ۱۱). به بخشی از پیروی‌های انسان از عقل عملی، تقوا گفته می‌شود (طالبی، ۱۴۰۲: ۲۹۲).

حاصل آنکه، کسی که کمالات اختیاری اش بیشتر باشد، ارزشمندتر و در نتیجه، کرامتش بیشتر است؛ زیرا تقوایش بیشتر است. به این دلیل خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره حجرات فرموده است: ﴿...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾؛ «...گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست...». بنابراین، در انسان ها سنجۀ تقوا، معیار کرامت است. به دیگر سخن، کرامت همچنان که در شدت و ضعف تابع تقواست، در وجود و عدم نیز تابع آن است (ربیع زاده راوندی، نوروزی و کریمی والا، ۱۴۰۲: ۱۵۴). برایین اساس، اگر کسی بی تقوا باشد، کرامتش صفر است. امام صادق علیه السلام از پدران شان و آنان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که «شخص فاسق کمترین احترام را دارد»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۹۵/۴؛ همو، ۱۳۷۶: ۲۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۵).

حال اگر فرض کنیم تقوا، یا به عبارتی قدرت پرهیز از گناه، میان تعدادی از پارسایان به یک اندازه باشد، آن گاه کدام یک کرامت بیشتری دارند؟ در پاسخ به این پرسش امام صادق علیه السلام فرموده اند: «پدرم از پدرش و ایشان از جدش [یعنی از جد پدرم، امام حسین علیه السلام] و ایشان از علی علیه السلام و ایشان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمودند: کسی که علمش بیش از دیگران است، ارزشش نیز بیش از آن هاست و کسی که علمش کمتر است ارزشش نیز کمتر از دیگران است...»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۹۵/۴؛ همو، ۱۳۷۶: ۲۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۹۵). وقتی ارزش کسی کمتر یا بیشتر از ارزش دیگران باشد، کرامت او نیز چنین است؛ زیرا کرامت هر موجود تابع ارزش آن موجود است، همچنان که ارزش نیز تابع کمال است. این روایت نشان می دهد پس از تقوا؛ یعنی داشتن کف نفس از ورود در حرام شرعی، دانش برترین کمال هر انسان است. در نتیجه، در پاسخ به پرسش بالا باید گفت: در میان پارسایان هم سطح، کسی که دانشش بیشتر باشد، ارزشش بیشتر و کرامتش بیش از دیگران است.

پرسش دیگری که در اینجا پیش می آید، این است که مراد از دانش که بعد از تقوا معیار

۱. «... أَقَلُّ النَّاسِ حُرْمَةً الْفَاسِقُ...».

۲. «... وَ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا...».

ارزش است، چه دانشی است؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرموده‌اند: «شریف‌ترین مردم امت من دو گروه هستند: ۱. حاملان قرآن و ۲. بیداران سحرگاهان»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۹۹/۴؛ همو، ۱۳۷۶: ۲۳۴؛ همو، ۱۴۰۳: ۱۷۸؛ همو، ۱۳۶۲: ۷/۲). مراد از «حاملان قرآن» کسانی هستند که از محتوای کلام خدا در قرآن آگاه‌اند؛ در زندگی با آن انس دارند و به آن عمل می‌کنند. مقصود از «اصحاب شب» نیز کسانی‌اند که در شب، به ویژه در سحرگاهان، با خدا راز و نیاز می‌کنند و به عبادت او مشغول‌اند.

به دلیل آنکه شریف‌ترین باکرامت‌ترین نیز است، از این روایت فهمیده می‌شود کسانی که عالم به معارف قرآن‌اند و در زندگی به آن‌ها عمل می‌کنند، باکرامت‌ترین افرادند. بنابراین، مراد از دانش که در روایت پیشین معیار ارزش معرفی شد، علم به معارف قرآن است.

۶. راه‌های رسیدن بشر به کرامت

تاکنون دانستیم که راه عمومی انسان برای رسیدن به کرامت تقواست. افزون بر آن، امام رضا علیه السلام چند راه خاص نیز برای رسیدن به کرامت مطلوب به شرح زیر معرفی کرده‌اند:

الف. استغفار در ماه شعبان

در حدیثی امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «هرکس در هر روز ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند، خداوند متعال او را روز قیامت در ردیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله محشور می‌کند و از طرف خدا [اعطای] کرامت بر او واجب می‌شود»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۵۵/۱).

ب. روزه گرفتن در ماه شعبان

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند: «هرکس دو روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، خداوند متعال روز قیامت، رحمت و مغفرت و کرامت را بر او واجب می‌کند»

۱. «أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ».

۲. «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ حَسَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ وَجِبَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْكَرَامَةُ».

گرداند»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۵۳).

ج. داشتن ولایت اهل بیت علیهم السلام

امام رضا علیه السلام داشتن ولایت اهل بیت علیهم السلام را سبب دریافت کرامت معرفی کرده‌اند. ایشان فرمودند: «آن‌ها به سبب دوستی با ما و پیروی از ما مستحق کرامت‌اند...»^۲ (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۴۱/۲). براین اساس، امام صادق علیه السلام فرمودند کسی که ولایت ما را ندارد، کرامت ندارد. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا کسی که زکات باید بپردازد، می‌تواند به خویشاوندان نیازمندش بدهد که اعتقادی به ولایت ندارند؟ حضرت پاسخ دادند: «نه، و کرامتی هم ندارند...»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۶: ۹۵/۳).

د. شهادت در راه خدا

همچنین امام رضا علیه السلام جهاد و سپس شهادت در راه خدا را سبب کرامت بشر معرفی کرده‌اند: «... وقتی [رزمندة] شهید به وسیله ضربه‌ای از اسبش نقش بر زمین می‌شود، هنوز به زمین نرسیده است که خداوند متعال همسری را از حور العین به او می‌دهد و او به شهید بشارت به کرامتی می‌دهد که خداوند متعال برای او آماده کرده است...»^۴ (قمی، ۱۴۱۴: ۷۰۹/۱).

نتیجه

نظریه کرامت بشر یکی از نظریه‌های موجه‌ساز حقوق بشر در جهان معاصر است. براساس این نظریه، انسان‌ها و تنها انسان‌ها به این دلیل که کرامت دارند، از حقوقی عام با

۱. «مَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ شَعْبَانَ وَجَبَتْ لَهُ الرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ وَالْكَرَامَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲. «... وَ اسْتَحَقُّوا الْكَرَامَةَ لِمَحَبَّتِهِمْ لَنَا وَ مَوَالِيَتِهِمْ...».

۳. «أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يكون له الزكاة وله قرابة محتاجون غير عارفين، أعطيتهم من الزكاة؟ فقال: «لا ولا كرامة».

۴. «... إذا زال الشهيد عن فرسه بطعنة أو ضربة لم يصل إلى الأرض حتى يبعث الله عزَّ و جلَّ زوجته من الحور العین فتبشَّره بما أعدَّ الله له من الكرامة...».

عنوان «حقوق بشر» برخوردارند. بنابراین، دیگر موجودات چون کرامت ندارند، دارای حقوق نیستند.

در مقابل، نظریه اسلامی کرامت، کرامت را به انسان اختصاص نمی‌دهد. این نظریه همه موجودات را صاحب کرامت می‌داند. «نظریه کرامت در اندیشه اسلامی» به حل مسئله‌ای جهانی در توجیه حقوق موجودات کمک می‌کند. این نظریه کرامت را مختص بشر نمی‌داند و آن را به همه موجودات سرایت می‌دهد. دلیل چنین ادعایی هم برهان عقلی است و هم مستندات نقلی (قرآنی و روایی).

نظریه کرامت در اندیشه اسلامی راهگشای توجه بیشتر به حقوق بشر، اهتمام به حقوق حیوانات، حقوق گیاهان و به طور کلی حفظ محیط زیست، از جمله توجه به حفظ کوه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، رودخانه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها و توجه به معادن طبیعی، مانند نفت و گاز و طلاست. در یک کلام، این نظریه موجه سازِ حقوق همه موجودات است.

این نظریه بر مبنای حقیقت وجود و کمالات آن، همه موجودات را صاحب شأن و کرامتی مخصوص به خود می‌داند. براین اساس، نه تنها بشر، بلکه همه موجودات با هر درجه‌ای از کمالات وجودی صاحب کرامت‌اند. به این دلیل است که هم خداوند متعال در قرآن و هم معصومین (ع) در روایات، کرامت را به غیرانسان نیز نسبت داده‌اند.

منابع

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *الخصال*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ق.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *الامالی*، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا (ع)*، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *فضائل الأشهر الثلاثة*، داوری، قم، ۱۳۹۶ق.
۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *التوحید*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
۶. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.

۸. ابن سینا، حسین، *الشفاء، الطبيعيات، كتاب النفس*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الأعمال*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ارسطو، *درباره نفس*، ترجمه علیمراد داودی، حکمت، تهران، ۱۳۶۶ش.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ایازی، سید محمدعلی، «مبانی حقوق بشر اسلامی»، در: *حقوق بشر در جهان امروز*، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۵۱-۶۸.
۱۴. ربیع زاده راوندی، حسین، رضا نوروزی و محمدرضا کریمی والا، «شاخص های کرامت در اسلام و ارتباط هریک با اسماء الهی با تأکید بر آراء آیت الله جوادی آملی»، *عقل و دین*، شماره ۲۸، ۱۴۰۲ش، ص ۱۴۷-۱۶۲.
۱۵. راسخ، محمد، «نظریه حق»، در: *حقوق بشر در جهان معاصر*، کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران/ جمعی از نویسندگان، آیین احمد، قم، ۱۳۸۸ش، ص ۳۸۳-۴۱۷.
۱۶. شریفی طرازکوهی، حسین، «بنیان های نظری حقوق بشر»، در: *حقوق بشر (ارزش ها و واقعیت ها)*، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰ش، ص ۹۵-۱۲۰.
۱۷. صدر المتألهین، محمد، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۸۱م.
۱۸. طالبی، محمد حسین، *درآمدی بر فلسفه حق*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، قم، ۱۳۹۳ش.
۱۹. طالبی، محمد حسین، *حقوق طبیعی بشر*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه قم، قم، ۱۴۰۲ش.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *نهایة الحکمة*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتهدج و سلاح المتعبد*، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۵. طوسی، نصیرالدین محمد، *شرح الاشارات و التنبیها*، نشر البلاغه، قم، ۱۳۷۵ش.
۲۶. عابدی، احمد و مهدی منفرد، *کرامت انسان*، دانشگاه جامع امام حسین علیهم السلام، تهران، ۱۳۹۶ش.
۲۷. قمی، عباس، *سفینة البحار*، اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۹. گولپینارلی، عبدالباقی، *مولانا جلال الدین*، ترجمه توفیق سبحانی، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ش.

۳۰. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ق.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۳۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز الکتب للترجمة و النشر، تهران، ۱۴۰۲ق.

۳۴. هاشم زاده هریسی، هاشم، «اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام»، در: *حقوق بشر در جهان معاصر*، کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران/ جمعی از نویسندگان، آیین احمد، قم، ۱۳۸۸ش، ص ۶۱-۸۰.

۳۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، ترجمه حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره ای، تصحیح ابراهیم میانجی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ق.

۳۶. هکی، فرشید، *حقوق بشر برای همه*، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹ش.

37. Donnelly, Jack, (1985) *The Concept of Human Rights*, London and Sydney: Croom Helm.
 38. Donnelly, Jack, (1989) *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Ithaca: Cornell University Press.
 39. Honoré, Tony, (2002) *Ulpian, Pioneer of Human Rights*, Oxford: Oxford University Press.
 40. Jones, Peter, (1994) *Rights*, New York: Palgrave.